

پژوهش نامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 26, Spring & Summer 2020

شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صفحه ۲۸-۵ (مقاله پژوهشی)

پیوستگی‌های شبکه‌ای سور اذائیه مکّی

نسرين الياسی فر^۱، عبدالمجید طالب‌تاش^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۲/۲۱ – تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۲/۱۴)

چکیده

چینش آیات در سور قرآن، هم‌جواری سوره‌ها، و تناسب میان سوره‌های هم گروه، همواره یکی از مباحث مهم علوم قرآنی بوده است که با عنوانی چون نظم آیات و تناسب سور مطرح است. تعبیر پیوستگی شبکه‌ای سوره‌های قرآن اصطلاح جدیدی است که از ارتباط ساختاری و محتوایی میان سوره‌ها سخن می‌گوید. این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی پیوستگی‌های شبکه‌ای سوره‌های اذائیه مکّی "الواقعه، التکویر، الانفطار، الانشقاق و الزلزال" را در دو جنبه تناسب ساختاری و محتوایی مورد بررسی قرار داده است. پژوهش بدست داده است که این سور دارای پیوستگی‌های ساختاری و ادبی شامل حسن آغاز، سمع، تشبيه، تصویرپردازی‌های ادبی، لحن و ریتم مشترک هستند که همه آن‌ها را در یک گروه ساختاری جای می‌دهد؛ همچنین تحقیق بدست داده است که این سور دارای پیوستگی‌های محتوایی شامل توحید ربوبی، ذکر حوادث قیامت، گروه‌بندی انسان‌ها در قیامت و غرض مشترک هستند. بررسی ساختاری و محتوایی حاکی از آن است که سور اذائیه مکّی همگی از نظم آهنگ مشابه برخوردارند و دارای آیات نظیر از جهت شکلی و محتوایی هستند که پیوستگی شبکه‌ای آن‌ها را تقویت می‌کند.

کلید واژه‌ها: پیوستگی شبکه‌ای، سور اذائیه، سور مکّی، همبستگی ساختاری، همبستگی محتوایی

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)؛ talebtash@yahoo.com

۱- بیان مساله

قرآن دارای اسلوب متنوعی در بیان موضوعات است و در عین اینکه به تدریج نازل شده و از موضوعی به موضوعی دیگر می‌پردازد ارتباط و پیوستگی بین‌نظری در میان آيات آن وجود دارد. این پیوستگی و هماهنگی در هر سوره‌ای از قرآن نمایان است. همچنین با نگرش به سوره‌ها از منظر پیوستگی و تناسبشان با یکدیگر در مسیر رساندن انسانها به مقصدی یکسان می‌توان آنها را سرشار از آثار هدایتی فراوان یافت. در پی بهره‌مندی از قرآن و حقایق عظیمش، مدخل‌های گوناگونی همچون علوم تفسیر و علوم قرآنی با همه شاخه‌های خود، وجه تمسمک عالمان به قرآن بوده و هست. یکی از مهمترین و کارآمدترین علوم در بهره‌مندی از این بحر عمیق علم تناسبات میان آیات و سور قرآن است. تناسب آیات و سور از جمله مباحث علوم قرآنی است که به وجود پیوند و ارتباط میان آیات و اتصال و پیوستگی بین سوره‌ها می‌پردازد. افرادی مانند ابوبکر باقلانی (م ۴۰۳ق) و عبدالقاهر جرجانی (م ۴۷۱ق) از نخستین کسانی هستند که نظم موجود میان آیات قرآن را دلیلی بر اعجاز قرآن دانسته‌اند و در مراحل بعد مفسران و علمی علوم قرآنی از تناسب میان یک آیه، آیات یک سوره، سوره‌های هم‌جوار و یا گروهی از سوره‌ها سخن به میان آورده‌اند. این مبحث در آثار افرادی چون زمخشri در الكشاف الحقائق غوامض التنزيل، فخر رازی در تفسیر مفاتیح الغیب، ابو حیان اندلسی در البحر المحيط فی التفسیر، الوسی در تفسیر روح المعانی و دیگران دنبال شد. برخی از مفسران همچون سیوطی و علامه طباطبایی معتقدند سوره‌هایی که دارای فواتح یکسان و مشابه هستند، از مضامین مشابه نیز برخوردارند؛ زیرا احتمال تناسب میان این نوع سوره‌ها با یکدیگر بیش از سور دیگری است که چنین ارتباطی با هم ندارند. اما افزون بر تلاش‌های بر شمرده، برخی از مفسران و علمای علوم قرآنی از تناسب فراتری با عنوان پیوستگی‌های شبکه‌ای میان برخی سور سخن گفته‌اند. مقصود از پیوستگی‌های شبکه‌ای، نوعی خاص از تناسب است

که از ارتباط ساختاری و محتوایی میان دو یا چند سوره هم‌گروه خبر میدهد. انواع پیوستگی‌های شبکه‌ای میان برخی سوره‌های قرآن کریم، شامل تناسب مضمنی، تناسب میان مجموعه‌ای، تناسب آغاز سوره بعد با پایان سوره قبل، تناسب دو سوره پیاپی در شروع یا پایان، نظایر آیات، سجع، سیاق، غرض مشترک، موضوع مشترک و واژگان کلیدی می‌باشد. این مقاله بر اساس عوامل پیوستگی ذکر شده، تلاش کرده است پیوستگی شبکه‌ای میان سور اذائیه مکی را مورد بررسی قرار دهد. تا کنون به طور مستقل پژوهشی در زمینه تناسب آیات سور اذائیه مکی صورت نگرفته است.^۱ این تحقیق اولین پژوهش در زمینه پیوستگی‌های شبکه‌ای سور اذائیه مکی را انجام می‌هد. منظور از سور اذائیه مکی آن دسته از سوره‌هایی است که با إذا شروع می‌شود و در مکه نازل شده است که شامل سوره‌های الواقعه، التکویر، الانفطار، الانشقاق و الزلزال می‌شود. از آنجا که همه این سوره‌ها دارای مطلع واحد هستند و همگی در مکه نازل شده‌اند بررسی چگونگی و میزان تناسب‌های شکلی و محتوایی میان آن‌ها نیاز به تحقیق و پژوهش دارد. در همین راستا پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش‌ها است که آیا می‌توان سور اذائیه مکی را در یک گروه جای داد؟ و از جهت شکلی و ساختاری چه تناسبی میان این سوره‌ها وجود دارد؟ و از جهت محتوایی و مضمنی چه تناسبی میان آن‌ها یافت می‌شود؟ از این رو سوره‌های اذائیه مکی را از جهت ساختاری با یکدیگر مقایسه نموده و تناسب‌ها و پیوستگی‌های میان آن‌ها را جستجو کرده است. همچنین محتوای این سور را با یکدیگر تطبیق می‌دهد تا روش‌شود که چه پیوستگی و ارتباط محتوایی و مضمنی میان این سوره‌ها وجود دارد.

۱. در زمینه پیشینه تناسب آیات و سور کتاب پژوهشی در نظم قرآن، نوشته عبدالهادی فقهی زاده، پایان نامه کارشناسی ارشد لیلا علوی با عنوان تناسب سور حومیم، پایان نامه کارشناسی ارشد زهراء خلخالی با عنوان تناسب در سور حزب مفصل قرآن، رساله کارشناسی ارشد رضوان جلالی‌فر با عنوان مضامین مشترک سور فرینتنین، رساله کارشناسی ارشد روح الله داوری با عنوان در آمدی بر پیوستگی‌های شبکه‌ای سوره‌های قرآن کریم نگارش یافته است.

۲- پیوستگی ساختاری و شکلی

در اینجا به بررسی پیوستگی ساختاری و شکلی سوره‌های اذائیه مکی پرداخته می‌شود و تناسب و پیوستگی میان آنها از جهت هماهنگی و نظم در واژگان و جملات و انواع صنایع ادبی بکار رفته در آن‌ها همچون حسن آغاز، سجع، تشییه و دیگر صنایع ادبی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. حسن آغاز

فواتح سُورَ یکی از شاخص‌های حائز اهمیت در تشخیص معیار گروه‌بندی سوره‌ها بشمار می‌آید؛ از این‌رو سوره‌هایی از قرآن که مطلع مشترکی دارند و دارای سرآغاز مشابهی هستند در قالب یک گروه جای می‌گیرند که از پیوستگی‌های ساختاری و محتوایی برخوردارند (سیوطی، ۳۳۳/۲). این مسأله در احادیث متعدد، مورد توجه قرار گرفته و مفسران بر این معیار صحّه گذاشته و اشتراک در فواتح سوره‌ها را نشانه تقارن موضوعی آنها دانسته‌اند (لسانی، ۱۰۸). بر همین اساس است که سیوطی به همسانی سرآغاز سور اهتمام ورزیده و هر دسته از سوره‌هایی که سرآغاز مشترک دارند را یک نوع بشمار آورده است. وی کلام خداوند را از جهت شروع، به ده نوع تقسیم نموده و در خصوص سوره‌های اذائیه یادآوری می‌کند که سوره‌های الواقعه، منافقون، التکویر، الانظر، الانشقاق و الزلزال و النصر همگی با شرط آغاز شده‌اند و در یک گروه دسته‌بندی می‌شوند که دارای حسن آغاز هستند (سیوطی، ۳۳۴/۲). سور اذائیه مکی دارای شروع یکسان هستند و با اذای شرطیه آغاز می‌شوند. اذا ظرف زمان و از ادات شرط است که از این منظر ساختار مشترکی دارند و به گونه‌ای نظام یافته‌اند که همگی برای شرط محقق الوقوع و حتمی الوقوع به کار گرفته شده‌اند (حسن، ۲۶۱-۲۶۰/۲). چه اینکه، شروع کلام با جمله شرطی، تأثیرگذاری بر خواننده را بیشتر می‌کند، و او را برای درک مسائله‌ای که سوره‌نظر گوینده است و به دنبال شرط می‌آید تهییج می‌کند؛ چرا که وجود عبارت شرطی در آغاز

کلام خبر بخصوص زمانی که جواب شرط در ساختار فعل ماضی بیان می‌شود از نگاه گوینده متن، از وقوع حتمی و قطعی حادثه یا موضوعی می‌دهد که در جواب آمده است. جواب شرطها در این سوره‌ها، مربوط به حوادث قیامت و صحنه‌های آن است. در نتیجه چنین شروعی، حاکی از آن است که قرآن می‌خواهد این دریافت را به خواننده منتقل کند که حوادث مربوط به قیامت که در عبارات شرطی و در جواب شرط آمده و همگی با صیغه ماضی نقل شده است قطعی و حتمی است و خللی در تحقق آن ایجاد نخواهد شد؛ در نتیجه قرائت کننده این آیات اطمینان خاطر پیدا می‌کند که قیامت و حوادث مربوط به آن آمدنی و برپا شدنی است اینگونه کلام علاوه بر اینکه دارای حسن آغاز است به براعت استهلال نیز نزدیک است که یکی از روش‌های تهییج مخاطب برای توجه بیشتر به کلام است. براعت استهلال آن است که سخن با آنچه با حال متکلم و مخاطب تناسب دارد آغاز شود و به آنچه سخن برای آن بیان شده اشاره شود (سیوطی، ۳۳۵/۲)؛ از آنجا که قرآن می‌خواهد ضمن حتمی بودن وقوع قیامت هولناک بودن آن صحنه را نیز ترسیم کند، با استفاده از عبارت‌های شرطی همراه با کوبندگی در کلام و با بکارگیری افعال ماضی به این هدف دست می‌باید؛ در نتیجه سوره‌های اذائیه مکّی علاوه بر حسن آغاز واجد صنعت براعت استهلال نیز هستند. ملاحظه می‌شود که سور اذائیه مکّی همگی با عبارتهای شرطی و متعدد آغاز شده و از وقوع حوادث مشترک خبر می‌دهند که حاکی از پیوستگی ظاهری و محتوایی میان این سوره‌ها است. این روش با غرض سوره‌ها که توجه دادن مخاطب به مسئله مهم قیامت و ایجاد باور و یقین در او نسبت به وقوع آن است همانگی دارد. بنابراین عبارتهای شرطی در مطلع سوره‌های اذائیه مکّی به معنای حسن آغاز و براعت استهلال این سور است و حکایت کننده همبستگی و پیوستگی میان این سوره‌ها است.

۲-۲. صنعت سجع

سجع در علم بدیع، به معنای آن است که کلمات آخر جملات مشابه در وزن یا روی یا

یکی از این دو برابر باشند و در این زمینه فرقی بین نثر یا نظم وجود ندارد (طاهرخانی، ۸۳). سکاکی سجع در نثر را همانند قافیه در شعر می‌داند (سکاکی، ۶۷۲). قرآن کریم به سبب همین ویژگی، ذاتاً آهنگین است و این ویژگی در سرتاسر قرآن به ویژه در شماری از سوره‌های اولیه و میانی مکّی وجود دارد (میر، ۳۳). با توجه به همین ویژگی میتوان بین سوره‌هایی که دارای سجع و وزن یکسان هستند ارتباط برقرار کرد. علمای بدیع سجع را به انواعی تقسیم کرده‌اند که از انواع اثربار بر خواننده، سجع متوازی است که در سور اذائیه مکّی به کار رفته است. سجع متوازی آن است که کلمات در وزن و فاصله هر دو متنّق باشند و آنچه در اولی هست با آنچه در دومی هست یکسان باشد (سیوطی، ۳۲۸/۲). سور اذائیه مکّی از سوری هستند که بسیاری از آیات آن‌ها دارای سجع‌های مشابه و یکسان است. در سوره الواقعه، آیات یکم تا سوم، هشتم تا دهم، پانزدهم و سی و دوم تا سی و چهارم، دارای فاصله‌های واحد هستند که همگی به تاء ختم می‌شوند. همین فاصله در آیات یکم تا چهاردهم سوره التکویر یافت می‌شود که همگی به تاء ختم می‌شوند. ساختار سوره الانفطار از جهت فاصله‌ها به گونه‌ای است که ایجاد کننده این احساس در خواننده است که گویا این دو سوره، قابلیت تبدیل شده به یک سوره هستند؛ به این معنا که آیات یکم تا پنجم سوره الانفطار نیز به تاء ختم می‌شود که نظماهنگی کاملاً شبیه به نظماهنگ آیات سوره التکویر دارد. همین رویکرد در سوره الانشقاق یافت می‌شود که آیات یکم تا پنجم به تاء ختم می‌شود و آیات ششم و هفتم نیز از جهت سجع ساختار مشابهی با آیات پیشین دارد. و در سوره الزلزال هر چند فاصله‌های تاء وجود ندارد لکن دو آیه آخر از ساختار مشابهی تشکیل شده که در هنگام وقف هم سویی بسیاری با آیات یکم تا پنجم سوره الواقعه پیدا می‌کند. ملاحظه می‌شود که سوره‌های اذائیه مکّی همگی دارای فاصله‌های یکسانی هستند که برخی از آیات به مصوّت تاء ختم می‌شوند. مصوّت تاء، حرف مهموس، انفجاری و دارای صفت شدت است (ستوده‌نیا، ۷۳). این نوع سجع که آهنگین‌ترین و زیباترین نوع سجع است بسامد بسیار بالایی در سور اذائیه مکّی دارد.

(الهاشمی، ۴۰۴). این فاصله‌های شدید و انفجاری که متن را آهنگین کرده و نظم‌ها نگ منسجمی دارند با محتوای آیات که از شروع قیامت و صحنه‌های ترسناک آن سخن می‌گوید تناسب داشته و بر خواننده تأثیر قابل ملاحظه‌ای می‌گذارد و تصویری هولانگیز را از آن روز برای او ترسیم می‌کند.

۳-۲. صنعت تشبیه

از دیدگاه عالمان علوم بلاغت هیچ یک از فنون بلاغت در مجسم نمودن معانی و تصویرگری مقاهمیم به پایه تشبیه نمی‌رسند؛ تا آنجا که درباره آن گفته‌اند تشبیه معنا را آنگونه آشکار می‌سازد که گویی آن را میتوان با چشم خود دید و با انگشتان خود آن را لمس نمود (عبدالقادر، ۷). تشبیه در قرآن تنها یک آرایش کلامی و زیبایی لفظی نیست که هدف از آن تنها ایجاد مشابهت میان اشیاء باشد و بس، بلکه قرآن به کمک تشبیه، روح و حیات و نشاط به کار برد الفاظ می‌گذارد و معانی ذهنی را به صورت‌هایی مجسم و زنده در قالب تصاویری بدیع به نمایش می‌گذارد و البته در این میان از عنصر هنر و زیبایی و نظم و موسیقایی کلام غافل نمی‌شود (محمد قاسمی، ۶۸). سوره‌های اذایه مگی از این صنعت بیانی برخوردار است و در آن‌ها آیاتی یافت می‌شود که به نیکویی از این صنعت ادبی استفاده کرده است. علامه طباطبائی تأکید می‌کند که سوره الواقعه با استفاده از تعبیرهای مانند «وَحُورُ عِينٍ. كَامْثَالِ الْلَّؤلُؤِ الْمَكْنُونِ»؛ حوریان بهشتی را از جمله نعمت‌ها و پادash‌های زیبایی تشبیه کرده که دست نخورده و در صدف پنهان مانده‌اند (طباطبائی، مرواریدهای زیبایی تشبیه کرده که دست نخورده و در صدف پنهان مانده‌اند (طباطبائی، ۲۴۷/۱۹). این صنعت ادبی در سوره التکویر نیز مشاهده می‌شود. تعبیر «وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ» در این سوره به کاربرد همین صنعت پرداخته است. صبح در این آیه به موجود زنده‌ای تشبیه شده که نخستین تنفسش با طلوع سپیده آغاز می‌شود و روح حیات در همه موجودات می‌دمد گویی در زیر دست و پای لشکر زنگی شب نفسش بریده بود و عفریت

شب پنجه‌های سیاه خود را به گلوی صبح افکنده بود و آن را می‌فرشد امام با درخشیدن اولین شعاع نور از زیر چنگال او آزاد می‌شود و نفس تازه می‌کند (مکارم شیرازی، ۸۹/۲۲). سیوطی تشبیه در این آیه را نوعی استعاره محسوس میداند یعنی از بیرون آمدن تدریجی نفس عاریت گرفته شده برای بیرون آمدن نور از مشرق هنگام شکفته شدن تدریجی فجر که تمام اینها محسوس می‌باشد (سیوطی، ۱۴۶/۲). زمخشri درباره تصویر زیبای قرآن می‌گوید شاید بپرسید مقصود از تنفس صبح چیست؟ باید بگوییم که وقتی صبح می‌آید با آمدنش روح نسیمی تازه می‌آورد و در کالبد بی جان طبیعت روح زنده‌ای می‌دمد همین نسیم و روح به طور مجاز تنفس صبح خوانده می‌شود (زمخشri، ۷۱۱/۴). و در آیات سوره التکویر به نیکوبی از این صنعت ادبی استفاده شده است. وقتی می‌فرماید: «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَّاسِ. الْجَوَارِ الْكَنَّاسِ»؛ ستارگان را به پرندگانی تشبیه می‌کند که صبح از لانه بیرون می‌آیند، حرکت می‌کنند و شامگاهان به لانه باز می‌گردند؛ و پیوسته این کار را تکرار می‌کنند. در سوره الزلزال در آیه «يَوْمَئِذٍ تُحَدَّثُ أَخْبَارَهَا» زمین را به انسان زنده‌ای تشبیه می‌کند که در حال گزارش دادن حوادثی است که شاهد آن بوده و هیچ حادثه‌ای را به فراموشی نسپرده است و ماموریتی را که بر عهده داشته به خوبی به انجام می‌رساند؛ و در سوره الانفطار در آیه «وَإِذَا الْكَوَافِرُ اُنْتَرَتْ»؛ ستارگان را به گردنبندی از مروارید تشبیه کرده که دانه‌های ریز و درشت‌ش را با نظمی معین قرار داده بودند اما ناگهان رشته‌اش پاره شود و دانه‌ها متفرق شوند (طباطبایی، ۵۳۸/۲۰). در سوره الانشقاق در آیه «وَالْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ» زمین به زن بارداری تشبیه شده که با اذن و اجازه الهی بار خود را به زمین می‌گذارد (سید قطب، ۷۸۹). ملاحظه می‌شود که در همه سور اذایه مکّی به نیکوبی از صنعت ادبی تشبیه استفاده شده تا خواننده را در فضای درک بیشتر صحنه‌های مقصود قرار دهد.

۲-۴. تصویرپردازی از طریق انتقال از آینده به گذشته

قرآن در صحنه‌هایی چند، از حوادثی که در آینده تحقق خواهد یافت به ویژه در

حوادث قیامت با صیغه ماضی یاد نموده است تا از این راه وقوع حتمی و قطعی چنین اموری را اعلام دارد و تصاویر آن را با برخی جزئیاتش در پیش روی مخاطب قرار دهد؛ چنانکه درباره محشور شدن انسانها در قیامت می‌فرماید «وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَسْرَنَا هُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (الکهف، ۴۷) که با وجود تحقق آن در آینده از آن با صیغه ماضی یاد نموده تا از وقوع حتمی آن برده بردارد (الحسینی، ۵۸۸). این رویکرد در سورا ذایه مکی مشاهده می‌شود. تعبیرهای سوره الواقعه با ذکر افعال وقعت، رجّت، بست، کانت، کتم که همگی در صدد بیان صحنه‌های مربوط به قیامت و آینده بشر و نظام آفرینش است؛ لکن با صیغه ماضی تبیین می‌کند. و در سوره التکویر از افعال کوّرت، انکدرت، سیرت، حشرت، سجرت، زوّجت، سلت، قلت، نشرت، کشطت، سعرت، ازلفت، أحضرت استفاده کرده که صحنه‌های مربوط به قیامت را به تصویر کشیده است. و در سوره الانفطار از واژگان افطرت، إنتشرت، فجرت، بعثرت، قدّمت، آخرت بهره برده است که در باره حوادث مربوط به آستانه قیامت خبر می‌دهد که در آینده اتفاق خواهد افتاد. و در سوره الانشقاق از کلمات انشقت، و در سوره الزلزال که حوادث و اخبار قیامت را بیان می‌کند با استفاده از واژگان زلزلت، أخرجت و قال بیان کرده است. قرآن در این صحنه‌ها با برداشتن حائل زمان گذشته، حال و آینده را به هم پیوند داده و شکاف میان دنیا و آخرت را برداشته، به گونه‌ای که در برخی موارد فرقی میان آن دو نمی‌بینیم بلکه در موقعي آخرت را پیش روی خود حاضر می‌بینیم و دنیا را گذشته و طی شده می‌باییم که این خود در حیات بخشیدن به صحنه‌ها و تاثیرگذاری عمیق بر مخاطب بسیار نقش آفرین است (سید قطب، ۴۱-۳۹). این رویکرد قرآن حاکی از آن است که اخبار مذکور در سوره‌های اذایه مکی مربوط به حوادث قیامت و یا حوادث مربوط به آستانه قیامت است که در آینده حاصل خواهد شد؛ لکن قرآن با بهره‌گیری از افعال ماضی قطعیت این حوادث را به نمایش گذاشته است.

۵-۲. تصویرپردازی با حروف

گرچه حروف در هر زبانی اداتی هستند که بر معنای مستقلی دلالت نمی‌کند و تنها نقش واسطه‌ای را میان کلمات ایفا می‌کنند اما همین حروف به ظاهر ساده در قرآن برای خود جایگاهی حائز اهمیت دارند و بسیار نقش آفرینند. حروف در قرآن اداتی طفیلی نیستند بلکه هر کدام با زبانی رمزگونه ما را به حقیقتی فرا می‌خواند و به تعبیری حرفهای قرآن با ما حرف می‌زنند و هر یک پرده از اسراری چند برمی‌دارند (محمدقاسمی، ۴۰) قرآن در برخی تعبیر خود با به کار بردن حرف فاء که به وضوح حوادث پشتسرهم و بدون وقه دلالت دارند آن جریان را از یک واقعه معمولی به صحنه‌ای پرتحرک و زنده مبدل می‌سازد و نبض کلمات را به طیش در می‌آورد (الحسینی، ۱۷۳). همچنانکه در سوره الواقعه نیز در سه آیه ۵۳ تا ۵۵ بطور پیاپی از حرف فاء استفاده می‌شود و می‌فرماید: «لَا كَلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقْوَمٍ. فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطْوُنَ. فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ. فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَمِيمِ» طعام دوزخیان و نوشیدنی آنان را در فضایی شگفتی انگیز بیان کند تا حالت تنفرآمیزی که در هنگام پرکردن شکمشان از طعام و نوشیدنی دارند را تصویرسازی کرده و توالی خوردن زقوم و نوشیدن آب سوزان را بیان می‌کند که مخاطب در صحنه شگفتانگیزی قرار می‌گیرد که گویا دوزخیان را مشاهده می‌کند که از فرط گرسنگی و تشنجی چنان به حرص و ولع بیاندازه افتاده‌اند که پشت سر هم زقوم و آب سوزان را سر می‌کشند؛ به گونه‌ای این بیان اثر گذار است که شعله بر هر وجودان بیداری زده و رستاخیزی در غفلت زدگان پدید می‌آورد. همچنین در آیه هفتم سوره الانفطار بطور پیاپی از حرف فاء استفاده نموده و پیاپی بودن مراحل خلقت انسان و علت این خلقت را با حرف فاء به تصویر می‌کشد: «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» ملاحظه می‌شود که پیاپی آمدن دو تعبیر فسوّاک . فعلک حاکی از این است که همزمانی آفرینش، آراستن و تعديل کردن شخصیت انسان را به نمایش می‌گذارد؛ به گونه‌ای که گویا هیچ فاصله زمانی میان خلقت، آراستن و تعديل انسان وجود ندارد. و در سوره الانشقاق در آیات «فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ

بِسَمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ، فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا» دو مرتبه از حرف فاء استفاده می‌شود که برای اصحاب یمین میان لحظه گرفتن نامه عمل و زمان حسابرسی آسان آنها فاصله‌ای نیست؛ در نتیجه این گویش قرآن زمینه تشویق مخاطب را فراهم می‌کند. و در سوره الزلزال در آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» حرف فاء با آیات قبل پیوند خورده و نشان می‌دهد که حوادث قیامت پشت سر هم حادث می‌شود تا انسان به مقصد خود که مشاهده اعمال است برسد (یارمحمدی، ۵۹).

۶-۲. لحن‌ها و ریتم‌های مشترک

آیه‌ها و در جای جای کلام قرآن آشکار است از آنجا که استفاده از عنصر آوا و آهنگ برای انتقال کلام سبب برتری متن می‌شود و قرآن کریم نیز به عنوان نماینده کلام الهی است تمام ظرفیتها و ویژگی‌های کلام برتر استفاده کرده بنابراین ویژگی‌های آوازی را نیز در خود لحاظ داشته است. نظامahnگ حاکم بر عبارت‌های قرآن حکایت از آن دارد که این متن نسبت به ویژگی‌های آوازی بی‌تفاوت نبوده و آنان را همانند یک گفتار و خطابه در سطح افقی نیز حمل کرده است. وجود این سبک و ویژگی آوازی در قرآن این امکان را فراهم کرده که خواننده، کلام قرآن را زنده و پویا ببیند و به طور مستقیم با همان لحن متکلم دریافت کند؛ گویی که وی مستقیماً مورد خطاب کلام وحی قرار گرفته است. علاوه بر این، ویژگی‌های آوازی سبب انتقال لحن متکلم به متن نوشتاری قرآن شده است. لحن کلام، در محاورات عرفی از قرائن کلام است و در تحقق ظهور کلام و تعیین مقصود گوینده آن موثر است به همین دلیل هم گویندگان برای افاده مقصود خود از آن کمک می‌گیرند و آن را به همراه الفاظ، دلیل بر مقصود خود قرار می‌دهند (فلاح، شفیع پور، ۴۶). آیات این سوره‌ها با ریتم‌های سریع همراه است که با اهداف آن یعنی بیان صحنه‌های قیامت یا حوادث قبل تناسب دارد؛ به گونه‌ای که مخاطب را در درک بهتر آن صحنه‌ها همراه با هیجان لازم تهییج می‌کند. واکه‌های کوتاه، بی‌دریجی و پرهیز از کاربرد فراوان واکه‌های بلند سبب شده تا

ریتم آیات تند و سریع گردد. در این آیات ضرب آهنگ کلمات تند و سریع و کوبنده است به گونه‌ای که تارهای دل انسان را به سرعت به حرکت درآورده و پنک سنگین آن دلها را می‌کوبد و جوی از هیجان و اضطراب را می‌آفریند. آیات ابتدایی سوره الواقعه و همینطور سوره‌های الانفطار، الانشقاق، التکویر وزلزال از چنان نظماهنج سریع و ریتم داری برخوردار است که شنوnde و خواننده متن احساس می‌کند گویا کسی در حال طبل‌کوبیدن است که می‌خواهد مردم را از یک خبر بسیار مهم و جدی مطلع سازد (طالب‌تاش، ۱۶۳)؛ حروف کوتاه در واژه وقت و ساکن‌شدن حرف قاف در آیه «لَيْسَ لِوَقْتِهَا كَادِبَةً» که سبب قلقله می‌شود و حرف تشديد در سه آیه «خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ. إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجَّا. وَبِسْتَ الْجِبَالُ بَسَّاً» در سوره الواقعه بر سرعت و کوبنده‌گی ریتم آیات اثر گذاشته است (ستوده‌نیا، ۶۰) و کثرت مصوت‌های کوتاه و غلبه آن‌ها در چهارده آیه نخست سوره التکویر، نوع جمله‌بندی آیات و تکرار فعل‌های مجھول ریتمی تند به کلام بخشیده که با اهداف سوره که ایجاد تحذیر نسبت به حوادث قیامت است تناسب دارد (ناظمیان، ۱۰۷). و در سوره الانفطار که با الانفطار یعنی شکافتن آسمان شروع می‌شود و سپس این شکافتن در سراسر سوره مشاهده می‌شود از جمله شکافته‌شدن قبرها، و حرکت انفجاری دریاها و استفاده از حرف فاء که دارای صفت شدت و استعلاء و قلقله می‌باشد و آمدنش در ابتدای سوره الانفطار دلالت بر شدت شکافته‌شدن دارد؛ و صفت تکریر در حرف راء و انفجار در حرف جيم و اجماع آنها در واژه فجرت شدت و سختی شکافته‌شدن دریاها را نشان می‌دهد؛ همگی دست به دست هم داده و ریتم آیات را سریع، تند و کوبنده می‌گرداند (جيگاره، صادقی، ۶۸) و در سوره الانشقاق که با دو شقه شدن آسمان شروع می‌شود و این پدیده در تمام سوره دیده می‌شود و حتی در صفواف انسانها راه پیدا می‌کند و با هجاها کوتاه در واژگان پایانی آیات همراه است و ریتمی کوتاه و تند به آن می‌دهد همگی نظماهنج حاکم بر این سوره را با اطلاع‌رسانی در باره حوادث قیامت مناسب می‌سازد؛ و موسیقی ویژه‌ای را به نمایش می‌گذارد که گویا هیجان و اضطراب نسبت به صحنه‌های هولناک قیامت را

القاء می‌کند (دهقانی فارسانی، ۱۱)؛ و در سوره الزلزال تکرار حرف زاء که دارای صفت صفیر و تکرار حرف لام که دارای صفت انحراف است و آهنگ خاص این حروف بی‌دریبی لرزیدن زمین را در آغاز رستاخیز و قیامت را به اذهان تداعی می‌کند و ریتم آیات را در اوایل این سوره، ریتمی سریع و تندری قرار می‌دهد (خوشمنش، ۲۰۹). سید قطب معتقد است این سوره از چنان نظم‌هاهنگی برخوردار است که صحنه به لزه در آورده و گویی زیرپایی شنوندگان این سوره، زمین به حرکت در می‌آید و به نظر آنان چنین می‌رسد که در حال لرزش و تحرک‌اند (سید قطب، ۳۹۵۴/۶).

۳- پیوستگی محتوایی

گاه دو یا چند آیه از جهت مفهوم نظیر یکدیگر هستند، در حالی که الفاظ مشترکی میان آنها مشاهده نمی‌شود. مفسر در این مورد باید آن چنان اشراف و حضور ذهنی درباره قرآن کریم داشته باشد که به مقدار وسع و تکلیف، همه آیاتی را که در این زمینه نظر دارند، نفیاً و اثباتاً گردآوری کرده و محتوای آیات را مورد توجه قرار دهد. (مصلائی پور یزدی و دیمه کار، ۳۱) بنابراین در نظایر معنوی، تأکید زیادی بر محتوای آیات وجود دارد، هر چند ممکن است الفاظ مشترکی میان آن‌ها مشاهده نشود.

۱-۳. توحید ربوبی

اسماء الهی مشترک بین سوره هم‌گروه میتواند دلیلی برای کشف موضوعات و مفاهیم مشترک در بین این سوره باشد. اسم مشترکی که در میان سوره‌های اذایه مکی به چشم می‌خورد، نام رب الهی است و این خود حلقه اتصالی را میان این سوره برقرار کرده است و می‌تواند بیانگر این نکته باشد که خداوند طراحی مسئله معاد را از طریق تاکید بر ربوبیت خود در عالم پایه‌گذاری می‌کند؛ یعنی لازمه تربیت و رشد و نمو انسان، بودن جهان دیگر است که ظرفیت این را داشته باشد که انسان حیاتش را در آنجا ادامه بدهد. در سوره الواقعه

که مفصل‌ترین آیات در مورد مظاہر ربویت الهی وجود دارد در آیات ۵۷ تا ۷۴ بعد از ذکر مظاہر ربوی خداوند در خلقت انسان، کشت و زراعت، برآوردن آب از دل زمین، و بر افروختن آتش به نام رب اشاره می‌کند؛ به این معنا که چون او مربی انسان است مقصدی عالی را برای انسان در نظر گرفته است و در ادامه از نعمت معنوی قرآن یاد می‌کند و بر مسأله ربویت خداوند تاکید می‌کند که چگونه خداوند با کلامش تربیت انسانها را منظور کرده است (طباطبایی، ۲۷۶/۱۹). در سوره الانفطار انسان را در مقابل ربی قرار می‌دهد که کریم است و او را در کتف حمایت خویش قرار داده و نعمات مادی و معنوی خود را بر او ارزانی داشته است و با عبارتی اعتراضی و تعجب انگیز از او می‌پرسد: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرِبِّكَ الْكَرِيمِ؟» و بدنبال آن به این مظاہر ربویت اشاره می‌کند که در آفرینش انسان، تسویه و تعدیل و در صورت پردازی او نمایان است (مکارم شیرازی، ۲۱۷/۲۶).

در سوره الانشقاق با تکرار أذنت لربّها و حَقٌّتْ پس از بیان انشقاق آسمان و تخلیه زمین در آستانه قیامت بر توحید ربوی تأکید می‌کند و در خطاب به انسان در رنج بودنش به سوی ربّ را یادآوری می‌کند تا دریابد که ربویت خداوند تمام زندگی او را فرا گرفته است و در ادامه صفت بصیر بودن خدا را نسبت به عملکرد انسان با ربویت خداوند در هم می‌تند تا گستره این ربویت را به او متذکر شود. صفت بصیر حاکی از آن است که خداوند سامان‌دهنده و تنظیم‌کننده امور انسان است و با فراهم‌نمودن اسباب و استعدادها، زمینه پرورش انسان و تصرف رب را فراهم می‌سازد (بازرگان، ۶۹/۴)؛ علامه طباطبایی تأکید می‌کند که در سوره الانشقاق بیشترین تکرار نام رب الهی را شاهد هستیم. ابتدا خداوند ربویت خود را در انشقاق آسمان و کشیده شدن زمین بیان می‌کند و این که موجودات عالم همه بر اساس قوانینی که خداوند برایشان وضع کرده حرکت می‌کند و منقاد ربویت پروردگار هستند و بعد انسان را هم بر اساس همین قوانین در حال حرکت به سوی پروردگارش توصیف می‌کند (طباطبایی، ۵۷۷/۲۰). در سوره الزلزال خداوند سخن گفتن زمین و خبردادن او از آنچه بر رویش اتفاق افتاده را براساس فرمان وحی که به زمین

می‌شود را با نام رب خود همراه می‌کند تا نقش ریویتی پروردگار در هدایت موجودات در آن جهان نیز مورد غفلت واقع نشود که این آیه علاوه بر اینکه شعور و حیات را در زمین ثابت می‌کند به پروردگاری اشاره دارد که رب است و موجودات را در این عالم با شعور خلق کرده است پس انتظار از چنین موجودی این است که بتواند از حوادث واقع بر خود خبر دهد پس وحی به زمین همان امر و تدبیر ریوبی است که از آغاز تکوین زمین وجود داشته است (طالقانی، ۳۰/۲۲۰).

۲-۳. حوادث قیامت

سوره الواقعه با نام‌گذاری قیامت به نام واقعه شروع می‌شود. طبرسی در تفسیر معنی واقعه معتقد است علت این نام‌گذاری شدت وقایع و حوادثی است که در روز قیامت رخ می‌دهد یا شدت وقوع قیامت است (طبرسی، ۳۲۵/۹) و در این حادثه عده‌ای بالا می‌روند و گروهی پایین می‌آیند. امام سجاد در تفسیر خافِضه رَافِعَةً بودن قیامت یادآوری کرده‌اند که رستاخیز خافضه است چرا که دشمنان خدا را در آتش ساقط می‌کند و رافعه است چراکه به خداوند سوگند اولیاء‌الله را به بهشت بالا می‌برد (霍یزی، ۳۰۴/۵). در همه این سور حوادث شروع قیامت با کلمه اذا که از ادات ظرفیه و شرطیه است و برای بیان حادثه‌ای محقق الواقع در آینده به کار می‌رود شروع می‌شوند (حسن، ۲۶۰/۲) و در آن روز زمین دچار لرزشی سخت می‌شود. از کنارهم قرارگرفتن دو حرف جیم و را در واژه رجّت و مفعول تاکیدی رجّا که در آیه «إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجَّا» آمده شدت اضطراب زمین را نمایان می‌سازد. زحلیلی یادآوری می‌کند که این آیه نظیر آیه «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زَلَّالَهَا» می‌باشد (زحلیلی، ۲۴۳/۲۳). و نتیجه چنین لرزش و جنبشی تغییری است که در کوه‌ها اتفاق می‌افتد «وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا»؛ بس در لغت به معنی خردکردن چیزی و کوییدن آن است (مصطفوی، ۲۶۸/۱). در سوره الانفطار حوادث قیامت از انفطار آسمان شروع می‌شود یعنی شکاف طولی که بر اثر این شکاف ستارگان که در یک رشته به هم پیوسته قرار

داشتند مانند دانه‌های گردنبند پاره شده پراکنده می‌گردند (طباطبایی، ۵۳۸/۲۰) و دریاها به مرحله تفجیر می‌رسند که به معنی خروج دریاها از حد و مرز خود و متصل شدن آنها به یکدیگر است که این حادثه بعد از آن چیزی است که در سوره کورت در مورد دریاها گفته شده است. مصطفوی می‌گوید فجرت هیجان و فیضان از شدت پر شدن است (مصطفوی، ۵۶/۵). طالقانی مضامین سوره الانشقاق و الانفطار را به هم پیوند می‌دهد و یادآوری می‌کند که در سوره الانشقاق از شکافتن آسمان سخن می‌گوید که به معنی جدا شدن اجرام به هم پیوسته آسمان است و در سوره الانفطار از منفطر شدن آسمان یعنی از هم گسیختگی سخن می‌گوید؛ در حقیقت شکافتن با گسیختن و پاره شدن فرق دارد به این معنا که نخست جرم یا اجرام به هم چسبیده و پیوسته آسمان از هم جدا شده به انشقاق می‌رسند آنگاه سست شده و یکسره از هم گسیخته و منفطر می‌گردند (طالقانی، جزء ۲۶۸/۳۰). در حدیثی از امیر مومنان علی علیه السلام در تفسیر این آیه آمده است که ایشان فرموده‌اند آنها تنشق من المجره آسمانها از کهکشانها جدا می‌شوند (آل‌وسی، ۸۷/۳۰) و بعد به تغییر زمین اشاره می‌شود «وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ. وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ» مراد آن است که کوه‌ها و تپه‌ها و بلندی‌های زمین فرو ریزد و پهن شود و پشتیش هموار می‌گردد. از ابن عباس روایت کرده‌اند که گفته مانند کشیده شدن چرم عکاظی کشیده می‌شود؛ زیرا چرم را وقتی که بکشدند هر چروکی که در آن هست از بین می‌رود و هر مرده و گنجی را که در خود نهفته داشته بیرون می‌اندازد؛ به نحوی که هیچ چیز در آن باقی نمی‌ماند. (زمخشري، ۸۹۸/۴) و یا اینکه بر وسعت و گسترده‌گی زمین افزوده می‌شود تا آمادگی حشر و نشر خلائق را داشته باشد (فخر رازی، ۹۷/۳۱). و این تغییر بعد از آن چیزی است که در سور الزلزال و الواقعه بدان اشاره شده است. در سوره التکویر حوادث قیامت با تاریک شدن خورشید شروع می‌شود؛ یعنی خروج خورشید از نظم و اداره‌ای که بر منظومه‌اش داشته و از فلک خود خارج می‌شود (مصطفوی، ۱۲۵/۱۰) و به این خاطر ستارگان هم منکدر می‌شوند مانند آنچه در سوره الانفطار آمده و البته ممکن است به معنای تیرگی باشد یعنی در آن روز

ستارگان بی‌نور می‌شوند (طباطبایی، ۵۱۹/۲۰) و تغییرات کوه‌ها در این سوره با آیه «وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ» بیان شده که به معنی حرکت کوه‌ها و به جریان افتادن آنها است (ابن‌فارس، ۱۲۱/۳) و این به حرکت در آمدن کوه‌ها بعد از مرحله کوییده‌شدن است که در سوره الواقعه به آن اشاره شده یعنی ابتدا کوه‌ها چنان از هم می‌پاشند که سنگ و خاکشان یکسان می‌شود و بصورت پشم زده‌شده (کَالْعَهْنِ الْمَفْوُشِ) می‌شوند و سپس به حرکت در می‌آیند مانند حرکت ابرها (تمر مَرَ السَّحَابَ) (بقاعی، ۴۰۳/۷) ظاهرا این مرحله بعد از آن مرحله‌ای است که در سوره کورت به آن اشاره شد؛ البته زمخشری این دو آیه را نظری هم می‌داند (زمخشری، ۵۵۹/۴) و تغییرات آسمان در این سوره ضمن آیه «وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ» بیان شده که در اصل به معنی برکنده‌شدن است؛ همانند برکنیدن پوست حیوانات (ابن‌فارس، ۶۸۴/۵) و به معنی پرده‌برداری و کشف چیزی که آن را احاطه کرده است (مصطفوی، ۶۳/۱۰). واژه کشطت حاکی از این است که پرده‌هایی که در این دنیا بر جهان ماده و عالم بالا افکنده شده و مانع از آن است که مردم فرشتگان یا بهشت و دوزخ را که در درون این جهان است ببینند کنار می‌روند و انسانها حقایق عالم هستی را می‌بینند و همانطور که در آیات بعد می‌آید دوزخ شعله‌ور و بهشت به انسانها نزدیک می‌شود؛ یعنی آیه ناظر بر حوادث مرحله دوم رستاخیز یعنی مرحله بازگشت انسانها به زندگی و حیات نوین است که بعد از انشقاق و انفطار آسمان که مربوط به مرحله اول رستاخیز می‌شوند اتفاق خواهد افتاد که ممکن است به معنای در هم پیچیدن آسمانها و ناظر به حوادث مرحله اول رستاخیز باشد که در این صورت انشقاق و انفطار آسمان یک معنا می‌دهد (ابن عاشر، ۱۳۲/۳۰). بنابراین با توجه به سیاق آیات و نظر مفسران می‌توان به این نتیجه رسید که ابتدا حوادثی در زمین و آسمان رخ می‌دهد که در سوره الواقعه به آن پرداخته است؛ سپس در آسمان انشقاق رخ می‌دهد یعنی اجزای به هم پیوسته آن از هم جدا می‌شوند که محتوای سوره الانشقاق است؛ و بعد یکسره منظر می‌گردند یعنی از هم گسیختگی در آسمان اتفاق می‌افتد که سوره الانفطار آن را بیان کرده است و نهایتاً آسمان به آسمان

دیگری تبدیل می‌شود و این همان چیزی است که در سوره التکویر با واژه "کشطت" به آن اشاره شده است و در سوره الزلزال که با اشاره به زلزله سخت قیامت شروع می‌شود و اینگونه می‌فرماید که زمین زلزله‌اش را سر می‌دهد و این زلزله‌ای است که نه فقط شامل زمین بلکه تمام عالم یکسره می‌شود (مطهری، ۸۶/۶) و این زلزله کماً وکیفاً تکرار می‌شود (مصطفوی، ۳۴۱/۴) که بر اثر این زلزله زمین آنچه در درون دارد از گنجها و معادن و به قول بعضی از مفسران مردگانش را بیرون می‌ریزد.

۳-۳. گروه‌بندی انسانها در قیامت

پرداختن به احوالات مختلف انسانها در قیامت محور اصلی سوره‌های اذایه مکّی است که در هر سوره به شکلی خاص عنوان شده (لسانی، ۱۳۲). در سوره الواقعه پس از اینکه صحنه قیامت را بازپردازی می‌کند یادآوری می‌کند که شما انسان‌ها در سه دسته سابقون، اصحاب یمین و اصحاب شمال گروه‌بندی می‌شوید. علامه طباطبائی تأکید می‌کند که کلمه زوج در آیه هفتم سوره الواقعه به معنای صنف است بنابراین ازواج سه‌گانه به معنای اصناف سه‌گانه است و خطاب در آیه به عموم انسانها است که در حقیقت بیانگر این است که انسانها در قیامت به سه دسته تقسیم می‌شوند (طباطبائی، ۱۹). بانوی اصفهانی سه دسته بودن انسانها در قیامت را به سه دسته بودن قوای آنها در دنیا متصل می‌کند که در حقیقت اصناف سه‌گانه بشر ناشی از قوای سه‌گانه اوست؛ زیرا که قوای مدرکه انسانی شامل قوه عقل، خیال و حس می‌باشد که برای هر یک از این قوا کمالی است لائق به خود، و سرانجام هر فردی به این سه قوه و انتهای کمالی آن مرتبط است (امین، ۶۳/۱۳).

تقسیم‌بندی مشابهی در خصوص وضعیت انسانها در قیامت در سوره کورت ملاحظه می‌شود. آنجا که می‌فرماید: «وَإِذَا النُّفُوسُ زُوْجَتْ» زمخشri این آیه را نظیر آیه «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً» در سوره الواقعه می‌داند و تأکید می‌کند که بیان آیه به معنای آن است که ارواح در قیامت قرین یکدیگرند (زمخشri، ۷۰۸/۴)؛ و در سوره الانفطار انسانها به دو

گروه ابرار و فجّار تقسیم می‌شوند. ابرار جمع برّ به معنی هر نوع نیکوکاری است و در اینجا هم عقاید نیک و هم نیات خیر و هم اعمال صالح را شامل می‌شود و نعیم که صفت مشبّه است دلیل بر ثبوت نعمت آنها دارد، و فجّار جمع فاجر به معنی شکافتن وسیع است؛ یعنی کسانی که پرده عفاف و حیا را دریده‌اند در آتش افروخته هستند (مکارم‌شیرازی، ۲۶)؛ و در سوره الانشقاق افراد به دو گروه تقسیم‌بندی شده‌اند؛ گروهی که نامه عملshan را از سمت راست دریافت می‌کنند و با آنها حساب یسیر می‌شود یعنی به تعبیر پیامبر به نامه اعمال آنها نگاه کرده شود و از آنها صرف‌نظر شود (سیدقطب، ۷۹۱/۶) و گروه دوم که نامه عملshan از پشت سر به آنها داده می‌شود. پشت‌سر مرتبه دانی انسان است و شرافت به جلوی رو و طرف یمین وی می‌باشد. لذا کتاب کفار و فجّار نظر به پستی آنها از پشت سر داده می‌شود، چون قیامت موقعی است که حقیقت و کنه هر چیزی نمایان می‌گردد (امین، ۶۷/۱۵). در سوره الزلزال گروه‌بندی انسانها در قالب "اشتناً" بیان شده است. فخر رازی در تفسیر سوره تأکید می‌کند که عده‌ای با چهره‌های نورانی و لباس‌های فاخر به سمت مواقف حرکت می‌کنند و عده‌ای با چهره سیاه در غل و زنجیر در حالی که منادی آنها را عدو الله می‌خواند وارد محشر می‌شوند (فخر رازی، ۲۵۶/۳۲). ملاحظه می‌شود که در تمام سوره‌های اذایه به مسأله گروه‌بندی و تقسیم‌بندی انسان‌ها در دنیا و یا قیامت توجه شده است. این رویکرد مشترک حاکی از به هم پیوستگی معنایی میان سوره‌های اذایه مکّی است.

۳-۴. غرض مشترک

در همه سورا اذایه مکّی غرض مشترکی را می‌توان دریافت کرد و آن انذار دادن انسانها نسبت به حوادث سخت قیامت است. البته در هر سوره‌ای با رویکردنی خاص به این غرض پرداخته شده است. در سوره الواقعه مقداری از حوادث هولانگیز قیامت را ذکر می‌کند، حوادث نزدیک‌تر به زندگی دنیایی انسان، و نزدیک‌تر به زمینی که در آن زندگی می‌کرده، و تأکید می‌کند که اوضاع و احوال زمین دگرگون می‌شود و زمین بالا و پایین و زیر و رو

می‌گردد، زلزله بسیار سهمگین زمین کوه‌ها را متلاشی، و چون غبار می‌سازد، آن گاه مردم را به طور فهرستوار به سه دسته سابقین و اصحاب یمین و اصحاب شمال، تقسیم نموده، سرانجام کار هر یک را بیان می‌کند. آن گاه علیه اصحاب شمال که منکر روییت خدای تعالیٰ و مساله معاد و تکذیب کننده قرآن هستند که بشر را به توحید و ایمان به معاد دعوت می‌کند استدلال نموده، و در آخر گفتار را با یادآوری حالت احتضار و فرا رسیدن مرگ و سه دسته شدن مردم خاتمه می‌دهد (طباطبایی، ۱۹۵/۱۹). با چنین رویکردی است که آیات اول این سوره در پی ترسیم صحنه‌های هولناک شروع قیامت است و با آوردن عباراتی تنفرآور درباره وضعیت اهل جهنم، تصویرپردازی بسیار سختی از آن روز ارائه می‌دهد (فخررازی، ۳۸۴/۲۹). در سوره التکویر که مفصل‌ترین سوره در میان حوادث سخت قیامت است روز قیامت را با ذکر پاره‌ای از مقدمات و نشانی‌های آن و پاره‌ای از آنجه در آن روز واقع می‌شود و آن روز را روزی می‌داند که در آن عمل انسان هر چه باشد کشف می‌گردد (طباطبایی، ۳۴۸/۲۰). این سوره پس از چهارده بار تکرار کلمه اذا از دگرگونی‌های عجیب آن روز یعنی تاریک شدن خورشید، برآه افتادن کوه‌ها، رهاشدن شتر ده‌ماهه و بیرون ریختن حیوانات از ترس، برافروخته شدن آب دریاها و حوادث دیگر سخن می‌گوید. این آیات مقدمه‌ای برای بیان هولانگیز حوادث قیامت است که نامهای عمل انسان‌ها گشوده می‌شود و به حساب آن‌ها رسیدگی می‌شود (طالقانی، ۱۸۰/۳۰). این سوره روز قیامت را با بعضی از علامت‌های متصل به آن تحدید می‌کند، و خود آن روز را هم به بعضی از وقایعی که در آن روز واقع می‌شود معرفی می‌کند، و آن این است که در آن روز تمامی اعمالی که انسان خودش کرده و همه آثاری که بر اعمالش مترب شده، و بوسیله ملائکه حفظه که موکل بر او بوده‌اند محفوظ مانده، در آن روز جزاء داده می‌شود. اگر اعمال نیک بوده با نعیم آخرت، و اگر رشت بوده و ناشی از تکذیب قیامت بوده، با دوزخ پاداش داده می‌شود، دوزخی که خود او افروخته و جاودانه در آن خواهد زیست. آن گاه دوباره توصیف روز قیامت را از سر می‌گیرد، که آن روزی است که هیچ کسی برای خودش مالک چیزی نیست، و امر در آن روز تنها برای خداست

(طباطبایی، ۳۶۵/۲۰). در این سوره نیز بیان شدت حادث قیامت با اشاره به انفطار آسمان، انتشار کواكب، افروختن دریاها، گشوده شدن قبرها و آگاهی انسان از آنچه تقدیم و تأخیر داشته ترسیم می‌شود و بعد از ذکر گروه‌بندی انسانها در پایان سوره دو مرتبه تحذیرهای تند ادامه پیدا می‌کند و در سه آیه پیاپی خداوند به واژه یوم الدین و اینکه اصلاً کسی چه می‌داند آن روز چه روزی است به بزرگی حادث آن روز اشاره می‌کند (زحلیلی، ۱۳۶/۳۰). سوره الانشقاق به قیام قیامت اشاره نموده، بیان می‌کند که برای انسان سیری است به سوی پروردگارش، او در این مسیر هست تا پروردگارش را دیدار کند، و خدای تعالیٰ به مقتضای نامه عملش به حسابش برسد، و در این آیات بر این مطالب تاکید می‌کند؛ در نتیجه آیات مربوط به تهدید از آیات بشارت در آن بیشتر است (طباطبایی، ۴۰۰/۲۰). در این سوره پس از ذکر نشانه‌های قیامت تاکیدی بر حرکت انسان به سمت پروردگار و ملاقات او دارد و اینکه این حرکت سختی‌هایی دارد و انسان باید از منازلی بگذرد تا به این ملاقات برسد و این تاکید در مراقبت انسان از خودش بسیار موثر است. و در سوره الزلزال اشاره به شدت آن روز با تأکید بر زلزله‌ای است که در نهایت شدت و هراسناکی است. سوره الزلزال و بیرون ریخته شدن محتويات زمین در اثر آن زلزله و دهشت و تحریر عقل انسان از این زلزله و شهادت زمین از اخباری که بر روی آن انجام شده و صحنه سخت خروج انسانها و صدور آنها در حالیکه متفرق هستند و چهره‌های متفاوت دارند و برگشت اعمال به سمت انسان حتی اگر به اندازه خردلی باشد (مراغی، ۲۶۹/۳۰).

۴- نتایج مقاله

- ۱- پنج سوره الواقعه، التکوير، الانشقاق، الانفطار و الزلزال که همگی در مکه نازل شده‌اند دارای شروع یکسانی هستند که با ظرف زمان إذا آغاز می‌شوند از این رو آن‌ها را سورا ذایه مگی نامیده‌اند که در بررسی بدست آمده است که همگی در یک گروه جای می‌گیرند و از دو جهت ساختار ظاهری و محتوایی دارای تناسب و پیوستگی‌های شبکه‌ای هستند.
- ۲- این سوره‌ها از جهت ساختار ظاهری و ادبی همگی دارای حسن آغاز هستند و

از مطلع مشترک و سرآغاز مشابه برخوردارند؛ بسیاری از آیات آن‌ها دارای سجع‌های مشابه و یکسان است؛ در همه آن‌ها به نیکوبی از صنعت تشبیه استفاده شده است؛ همه آن‌ها در صدد بیان صحنه‌هایی از حوادث آینده‌اند لکن برای اینکه بر حتمی‌الوقوع بودن آن حوادث دلالت کنند، فعل ماضی بکار گرفته شده؛ همه سورا به کار بردن حرف فاء در ابتدای آیات، بر رخدادن حوادث بدون وقفه و پشت‌سرهم دلالت دارند که آن جریان را از یک واقعه معمولی به صحنه‌ای پرتحرک و زنده مبدل می‌سازد و نبض کلمات را به طپش در می‌آورد؛ و آیات این سوره‌ها با ریتم‌های سریع همراه است که با اهداف آن یعنی بیان صحنه‌های قیامت یا حوادث آستانه قیامت تناسب دارد؛ به گونه‌ای که مخاطب را در درک بهتر آن صحنه‌ها همراه با هیجان لازم تهییج می‌کند. واکه‌های کوتاه، پی‌درپی و پرهیز از کاربرد فراوان واکه‌های بلند سبب شده تا ریتم آیات تند و سریع گردد. در این آیات ضرب آهنگ کلمات تند و سریع و کوبنده است به گونه‌ای که تارهای دل انسان را به سرعت به حرکت درآورده و پتک سنگین آن دلها را می‌کوبد و جوی از هیجان و اضطراب را می‌افریند.

۳-۴. سور اذائیه مکّی از جهت محتوایی از پیوستگی برخوردار است و همگی به طرح بحث پیرامون ربویّت خداوند پرداخته و اسم مشترکی که در میان سوره‌های اذائیه مکّی به چشم می‌خورد، نام رب‌الهی است که حلقه اتصالی را میان این سور برقرار کرده و میتواند بیانگر این نکته باشد که خداوند طراحی مسئله معاد را از طریق تاکید بر ربویّت خود در عالم پایه‌گذاری می‌کند؛ در همه این سور به طرح مسأله قیامت پرداخته‌اند که البته با کلمه اذا که از ادات ظرفیه و شرطیه است و برای بیان حادثه‌ای محقق‌الواقع در آینده به کار می‌رود شروع می‌شوند؛ محور اصلی همه این سوره‌ها پرداختن به احوالات مختلف انسانها در قیامت است؛ و در همه این سور غرض مشترکی را می‌توان دریافت کرد و آن انذار دادن انسانها نسبت به حوادث سخت قیامت است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۳ ش.
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم المقايس للغة، مكتب الاعلام الاسلامي، قم، ۱۴۰۴ق.
۳. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۴. ابن عاشور، محمدبن طاهر، التحریر و الشویر، موسسه التاریخ، بیروت، ۱۲۹۳ق.
۵. امین، سیده نصرت، مخزن العرفان فی تفسیر القرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱ش.
۶. بازرگان، عبدالعلی، نظم قرآن، انتشارات قلم، تهران، ۱۳۷۵ش.
۷. باقلانی، ابوبکر محمدبن الطیب، اعجاز القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ق.
۸. بقاعی، ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
۹. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قرآن، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۸۶ش.
۱۰. خوشمنش، ابوالفضل، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، شماره ۶۲ - ۱۸۵- ۲۱۵، ص ۱۳۹۴- ۱۳۹۴ش.
۱۱. حسن، عباس، النحو الواғی، ناصر خسرو، تهران، بی تا.
۱۲. حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالقلیین، اسماعیلیان، ایران، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۳. الحسینی، سید جعفر، اسالیب البيان فی القرآن، موسسه الطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۱۳ق.
۱۴. حقی بررسی، اسماعیل، تفسیر روح البيان، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، تحقیق: احمد قدسی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۹ش.
۱۶. جرجانی، عبد القاهر بن عبد الرحمن، دلائل الاعجاز فی علم المعانی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۱۷. جیگاره، مینا و همکار، بررسی و تحلیل سوره انتظار با تکیه بر نظریه ساختارگرایی، ص ۵۰- ۷۴، پژوهشنامه تقدیم ادب عربی، تهران، شماره ۱۳، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵ش.
۱۸. دهقانی فارسانی، یونس، ساختار سوره انشقاق، مجله بلاغ میهن، شماره ۱۴- ۳- ۱۴۸۷، ص ۱- ۳ش.
۱۹. داوری، روح الله، درآمدی بر پیوستگی‌های شبکه‌ای سوره‌های قرآن کریم: مطالعه موردی سوره مبارکه ذاریات، دانشگاه امام صادق، تهران، ۱۳۹۵ش.
۲۰. ستوده‌نیا، محمدرضا، بررسی تطبیقی میان تحوید و آواشناسی، رایزن، تهران، ۱۳۷۸ش.
۲۱. السکاکی، محمدبن علی، مفتاح العلوم، الطبعه الاولی بتحقيق اکرم عثمان یوسف، دار الرساله، بغداد، ۱۹۸۱م.
۲۲. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، الانتقام فی علوم القرآن، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ش.
۲۳. رافعی، مصطفی صادق، اعجاز القرآن و البلاغه النبویه، دارالکتاب العربي، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۲۴. زمخشیری، محمودبن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، دارالکتب العربي، بیروت، لبنان، ۱۴۰۷ق.
۲۵. زحیلی، وهبی بن مصطفی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دارالفکر المعاصر، بیروت، ۱۴۱۸ق.

۲۶. طاهرخانی، جواد، بلاغت و فواصل قرآن، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
۲۷. طالقانی، سید محمود، تفسیر برتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار: چاپخانه حیدری، تهران، ۱۳۱۸ ش.
۲۸. طالب‌تاش، عبدالمجید، پژوهشی نو در باب اعجاز قرآن، سرافراز، کرج، ۱۳۹۴ ش.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجتمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۷ ق.
۳۱. عبدالقدیر، حسن، القرآن و الصور البیانیه، بی‌نا، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۳۲. فخر رازی، ابوعبدالله محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربي، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۳۳. فلاح، ابراهیم و همکار، کاربرد شناسی نشانه‌های آواتی در نظام معنایی قرآن (تحلیل موردهای سوره مرسلاط)، دو فصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، سال دوم، شماره اول، دانشگاه لرستان، ص ۴۱-۶۳، ۱۳۹۴ ش.
۳۴. قطب، سید، فی ظلال القرآن، دارالشروع، الطبعه السابعه، القاهره، ۱۴۱۲ ق.
۳۵. قرشی، علی‌اکبر، تفسیر احسن الحديث، بنیاد بعثت، قم، ۱۳۷۵ ق.
۳۶. لسانی، محمد علی، سوره‌شناسی، ناشر: نصایح، قم، ۱۳۹۴ ش.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۳۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۳۹. مصلائی پور بیزدی، عباس و همکار، تنوع و نوع آوری در بیان داستان محاجه حضرت ابراهیم با آذر و قومش در قرآن کریم، صحیفه مبین، زمستان و بهار ۱۳۸۷-۱۳۸۸، شماره ۴۴، ص ۴۵-۶۵، ۱۳۸۸ ش.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربي، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۴۱. محمد قاسمی، حمید، جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۴۲. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر مراغی، دارالفنون، بیروت، لبنان، ۱۳۷۱ ق.
۴۳. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، انتشارات صدر، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۴۴. میر، مستنصر، پیوستگی سوره تحولی در تفسیر قرآن در قرن بیستم، آینه پژوهش، محمدمحسن محمدی مظفر، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸، ص ۴۴۵-۴۳۸، ۱۳۸۶ ش.
۴۵. ناظمیان، هون، پیوند فرم و ساختار با محتوا در سوره تکویر، مجله زبان و ادبیات عرب، شماره ۲۷، ص ۹۷-۱۱۵، ۱۳۹۱ ش.
۴۶. الهاشمی، احمد، جواهر البلاغه فی المعنی و البیان و البدیع، الطبعه السابعه، قم، ۱۴۱۷ ق.
۴۷. یارمحمدی، لطف الله، گفتمان شناسی رایج و انتقادی، ناشر: هرمس، تهران، ۱۳۸۳ ش.